

جنگل انبوه خیال
با ریشه‌های برآمده از خاک
همه‌اش با کوچ پرستوها رفت...
دلت سوخت
ماندی
تا بدمی
به فانوس محبوس در قلبم...

سلیکا باقری



ادبی و هنری



شعرها

بچه‌ها توی حال مشغول نقاشی بودند.
با خواهرم تلفنی صحبت می‌کردم: راستی تولدش، به نظرت چه جوری سورپرایزش کنم؟
من و همسرم توی خونه، هم دیگه رو نفس صدا می‌کنیم.
خواهرم چند تا راهکار خوب ارائه داد. معمولاً وقتی با خواهر هام تلفنی صحبت می‌کنم طولانی میشه و این بار به‌طور اتفاقی متوجه درگوشی حرف زدن دو تا وروجک‌ها شدم، اما نمی‌دونستم دارن چه نقشه‌ای می‌کشن.
تلفنم که تموم شد: آتریسا گفت: مامان! میشه بیستا از این مقواها برامون بخری؟
- بیس تا؟! چه خبره؟!
ماهور گفت: مامان! خواهش می‌کنم، لازمه آخه، بعداً می‌فهمید.
قبول کردم و با خودم گفتم لابد به طرح تازه به فکرشون رسیده. عصر رفته بازار و براشون خریدم. چند روزی می‌رفتن تو اتاقشون و مشغول نقاشی بودن، به منم می‌گفتن: نیای تو اتاق هان! باید وقتی تموم شد ببینی.

شعرها

یک روز پیش از تولد همسرم بود که بچه‌ها با مقواهایی که براشون خریده بودم اومدن پیشم و گفتن: مامان! حالا میتونی نقاشی‌هامون رو نگاه کنی!
- والای خدای من! اینا همش کار خودتونه؟
- آره، مامان.
چقدر قشنگن!
ماهور دونه دونه بهم نشون می‌داد و آتریسا هم در موردشون سخنرانی می‌کرد: این باباس وقتی سوار ماشینه، این باباس وقتی میاد خونه، این باباس وقتی سر کاره، این باباس که با شما نشسته روی کاناپه... این باباس وقتی...
- چی کردین شما فرشته‌ها؟!
- مامان! ما میخوایم واسه تولد بابا به نمایشگاه نقاشی بزینم مثل همون نمایشگاهی که به بار ما رو با خودت بردی.
- خوش به حال بابا که همچین بچه‌هایی داره، این بهترین کادوی تولدیه که بابا تا حالا گرفته.
- مامان! به بابا تکی‌ها
- باشه عزیزم، خب حالا نمایشگاه رو کجا برپا کنیم؟
- شما بکین
- تو همین حال خوبه
- باشه مامان جون
- حتماً که مهمونامون هم خیلی خوششون میاد، فردا تمام نقاشی‌هاتون رو می‌برم قاب می‌گیرم، مطمئنم که باباجون حسابی غافلگیر میشه.

با کمک آتریسا و ماهور قبل از اومدن همسرم به خونه نمایشگاه رو برپا کردیم. نیم ساعت موندن به اومدنش روی در ورودی به حال روی یک پلاکارد نوشتیم:
به طرف نمایشگاه نقاشی بابای مهربون.
همسرم با دیدن این نوشته مات و مبهوت وارد حال شد.
بچه‌ها بکپو پریدن تو بلنشن: بابا جون... بابا جون... تولدت مبارک!
همسرم با بیخندی از سر شوق گفت: چه خبره اینجایی... خدای من؟ قضیه چیه؟ بچه‌ها دست بابا رو گرفتن و دورتادور حال چرخیدن و صحنه‌های زندگی اونو با هم مرور کردن. همسرم بعد از تماشای نقاشی‌ها روی کاناپه نشست، بچه‌هاش رو به آغوش کشید و گفت: احساس می‌کنم هیچ خستگی‌ای تو تنم نیس، احساس می‌کنم تازه متولد شدم... و در حالی که به من زل زده بود ادامه داد:
احساس می‌کنم اونقدر خوشبختم که میتونم پرواز کنم با شما دو تا که مثل دوتا بال به فرشته‌اید...

شور بود کاکو
دریا همیجوره... یه جور ناجوری کاکو
- پس فکر می‌کنی میشه روی نمک گیر شدن ماهی‌ها حساب واکرد؟
- نه کاکو
ایجوری که ماهیو شورشو در آوردن، حتمنی از سر چشمه گله.
- پس من میرم تهران.
باید فکری به حال انگشت ابهام آسمان بکنم.
اشارات ماه به پولک‌های ریخته بر شرم، یواشکی ست...

سینا پورنگ



و در آخر از خانه مادر بزرگت، یک حوض آب ماند
و گل‌های شمعدانی و گلدان‌های گلی و پنجره‌های چوبی رنگارنگ.
اتاقک‌های کوچک کاهگلی که همه دیوارهاش ترک برداشتن.
و آن خانه با صفای مادر بزرگت؛ آسمان خراشی بلند شد
با بسیار پنجره‌های آهنی و یک بالابر طولانی
با سکوتی عجیب که دیگر آن صفای همیشگی را نداشت.
نه بازی کردن در حوض آبی
نه هر صبح آب دادن گل‌های شمعدانی
نه باز کردن آن پنجره‌های چوبی که گنجشک‌ها هر روز لب‌هاش را آواز سر می‌دادند...
و اینجا بود که
خانه مادر بزرگ تمام شد...

سارینا کارگر



توپ بازی قورباغه‌ها در برکه
یک روز قورقوری با دوستانش به برکه رفت. کنار برکه علف‌های زیادی روییده بود و برگ‌های گل نیلوفر روی آب را پوشانده بودند. قورقوری گفت: من میخوام از رو این برگ بریم رو اون برگ. قورقوری پرید و افتاد توی آب، دوستانش به او خندیدند؛ اما قورقوری باز هم تلاش کرد و توانست از روی برگ‌ها بپرد و در آب نیفتد. قورباغه‌ها مشغول بازی و پریدن روی برگ‌های گل نیلوفر بودند که قورقوری گفت: اونجا به توپ بزرگ افتاده، من میرم که بیارمش. قورقوری رفت توپ را آورد و با دوستانش مشغول بازی شدند که یکدفعه توپ آنها به بوته‌ای خورد و بلاش خالی شد. قورباغه‌ها ناراحت شدند. یکی از آنها گفت: حالا چکار کنیم؟ قورقوری گفت: نگاه کنین! توپمون داره دوباره باد میشه. آب از سوراخ توپ داشت داخل می‌رفت و توپ بزرگ می‌شد. آنها خوشحال شدند. قورقوری با دوستانش روی توپ پریدن و بازی کردند و دیگر باد توپشان خالی نشد.

شاهین شکستلی



اشک‌های زهرا و گنبد طلایی
دخترک همان‌طور که در صحن حرم روی صندلی چرخ‌دارش نشسته بود و به گنبد طلایی خیره شده بود اشک از چشمانش سرازیر شد و یک‌بار دیگر صحنه آن تصادف هولناک از جلوی چشمش گذشت؛ زهرا کوچولو چند سال پیش به همراه پدر و مادر و مادر بزرگت عازم سفر به مشهد بودند؛ روزهای پرشور و خوبی بود. زهرا می‌خواست به مشهد بیاید و از امام رضا کلی چیزهای خوشگل مثل عروسک و دوچرخه و... بخواهد تا پدرش برایش بخرد. چون مادرش به او گفته بود که امام رضا آرزوهای مردم را برآورده می‌کند مخصوصاً آرزوهای بچه‌ها را چون قلبشان پاک هست؛ اما یک‌دفعه تمام آرزوهایش به هم ریخت؛ یک کامیون بزرگ از رویو به ماشین آنها نزدیک شد، پدر زهرا هر چه تلاش کرد نتوانست ماشین را کنترل کند و بالاخره آنها با هم تصادف کردند. پدر زهرا که فراموش کرده بود کمربند ایمنی‌اش را ببندد به بیرون پرت شد و درجا فوت کرد؛ مادر و مادر بزرگش به سختی آسیب دیدند و کمر زهرا کوچولو بر اثر ضربه صدمه زیادی خورد طوری که دیگر نمی‌توانست راه برود. روزهای سختی گذشت تا اینکه بعد از چند سال دوباره زهرا با مادر و مادر بزرگش به زیارت آقا آمدند اما این بار دیگر عروسک و دوچرخه نمی‌خواستند او این بار پاهایش را می‌خواست تا دوباره مثل قبل بتواند راه برود و کتک‌های زهرا چند روز به پنجره فولاد امام رضا دخیل بسته بود؛ و از امام رضا پاهایش را می‌خواست. نیمه‌های شب بود که زهرا کوچولو یک مرد مهربان و زیبایی را که چهره‌ای نورانی داشت و با بقیه خیلی فرق داشت را دید ولی او را نمی‌شناخت، آن مرد مهربان به زهرا گفت: بلند شو و به دنبال من بیا! زهرا گفت: من که نمی‌تونم راه برم؛ من فلجم. آن مرد گفت: من بهت کمک می‌کنم، تو می‌تونی راه بری. زهرا با امید به حرف آن مرد مهربان گوش کرد و با ترس و لرز از افتادن بلند شد. خدای من! زهرا کوچولو بدون کمک کسی روی پاهای خودش ایستاد و شروع به قدم برداشتن کرد. آری امام رضای مهربان زائر کوچولوش را شفا داده بود، شور و هیجان زائرین، صدای زیبای تقاره‌خانه و عطر گل محمدی تمام صحن و سورا را پر کرده بود. امام رضا باز هم به یکی از عاشقانش لطف و عنایت کرده بود.

شیراز



منتظر داستان و اشعار شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.
toloudaily@gmail.com
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: صفورا کاظمی



آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۳۹۰۳۱۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۰۱
هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز - ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدرضا جلالی دوقزلو فرزند اکبر به شماره شناسنامه ۱۸ و کدملی ۱۳۷۱۲۹۹۵۰ صادره از شیراز در دو سهم از هفده سهم شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۳۰۳/۳۶ مترمربع پلاک ۶۸۱۰۵ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۹۵۵۲ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالک رسمی آقای قریبعلی محمدی مجزی گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۵۲۸۹/م الف ۳۱۱۸/۱۹۰۹۲۰
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۸/۰۵/۰۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۸/۰۵/۱۷
حمید کشاورز - رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۱ شیراز

فراخوان ارزیابی

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان فارس در نظر دارد ارزیابی زیر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید کلیه مراحل برگزاری ارزیابی و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

ردیف	شرح پروژه	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ تضمین (ریال)	گواهی صلاحیت
۱	راهداری منطقه (۱) (آباد- خرم بید- بوآناات- اقلید- پاسارگاد و مرودشت)	۲۶/۵۳۲/۲۵۹/۲۳۵	۱/۳۲۷/۰۰۰/۰۰۰	رتبه (۵) راه و ترابری
۲	راهداری منطقه (۲) (شیراز- قسا- خرامنه- سروستان- کوار- داراب)	۳۶/۰۶۲/۹۷۹/۹۷۷	۱/۸۰۴/۰۰۰/۰۰۰	رتبه (۵) راه و ترابری
۳	راهداری منطقه (۳) (کازرون- سیدان- ممسنی- رستم- فراشند- فیروزآباد- فیروکارزین- جهرم- زرین دشت)	۳۶/۹۷۲/۳۶۷/۴۸۵	۱/۸۴۹/۰۰۰/۰۰۰	رتبه (۵) راه و ترابری

۱) داشتن گواهی صلاحیت معیار مطابق با اسناد مناقصه الزامی می‌باشد.
۲) مهلت دریافت اسناد ارزیابی از ساعت ۸ صبح مورخ ۹۸/۰۵/۱۷ بدست (۵) روز از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir امکان پذیر می‌باشد.
۳) آخرین مهلت بازگذاری مدارک: آخرین مهلت بازگذاری مدارک به صورت الکترونیکی در سامانه ستاد تا پایان وقت اداری مورخ ۹۸/۰۶/۰۶ و تحویل نسخه فیزیکی آن به مناقصه گزار با رعایت موارد مندرج در اسناد ارزیابی تا پایان وقت اداری ۹۸/۰۶/۰۶ و محل آن دبیرخانه اداره کل می‌باشد.
۴) زمان گشایش اسناد ارزیابی: اسناد ارزیابی را در حضور نمایندگان مناقصه گران حاضر در جلسه در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۹۸/۰۶/۰۷ در این اداره کل بازگشایی خواهد شد.
۵) اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه: شیراز بلوار مدرس اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان فارس- اداره پیمان و رسیدگی
۶) هزینه کارمزد ستاد به عهده برنده مناقصه خواهد بود.
۷) اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۰۷۳۳۱۳۱۳۱ دفتر ثبت نام: ۸۵۱۹۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۹۷۳۷
۸) وب سایت با جهت بازرسی آگهی: www.setadiran.ir و www.iet.org.ir بخش (ثبت نام/ پروفایل تامین کننده/ مناقصه گر) موجود است.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۰۵/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۸/۰۵/۱۷ شناسه آگهی: ۵۵۸۶۲۹
۳۱۲۶۹

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان فارس

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۳۹۰۳۱۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۳
هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز - ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بهنام امیری فرزند بهرام به شماره شناسنامه ۶۸۴۷ و کدملی ۲۲۹۱۳۹۰۱۰۴ صادره از شیراز در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۲۱۳/۰۵ مترمربع پلاک ۶۸۱۵۴ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۵۳ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالک رسمی آقای غدیر کارگر محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۵۳۱۳/م الف ۳۱۲۶۱/۱۹۱۰۸۹
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۸/۰۵/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۸/۰۶/۰۲
حمید کشاورز - رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۱ شیراز